

چگونه یک مترجم حرفه ای شویم؟

مقدمه

هر فردی که بیش از یک زبان می‌داند این توانایی را دارد که یک واژه یا یک جمله را از زبان مبدأ با استفاده از یک واژه یا جمله معادل در زبان مقصد توضیح دهد. این در واقع آغاز ترجمه است. اما فقط آغاز است، زیرا چنین ترجمه‌ای به خودی خود شخص را یک مترجم ماهر نمی‌کند. علاوه بر دانش زبان مبدأ و مقصد یک مترجم باید استعداد ترجمه هم داشته باشد که بعضی افراد از این موهبت برخوردارند. به زبان دیگر، ترجمه مانند راندن دوچرخه یک مهارت اکتسابی نیست، بلکه انجام ترجمه کمابیش همانند نواختن ویولون یک قریحه ذاتی است که بعضی از افراد این قریحه را دارا بوده و بعضی دیگر فاقد آن هستند. همین‌طور، استعداد ترجمه الزاماً نشانگر بهره هوشی بالاتر یا پایین‌تر نیست و همچنین نشانگر این نیست که فرد به لحاظ زبانی با استعداد است. ترجمه یک مهارت ذاتی است که فرد را قادر می‌سازد که یک متن را سریع و دقیق از یک زبان به زبان دیگر ترجمه کند. در صورتی که شما این استعداد را دارید اقتضا می‌کند که آن را پرورش دهید و از آن استفاده کنید زیرا هرگز مترجمین خوب به وفور وجود ندارند و تقریباً بدیهی است که مترجمین خوب می‌توانند فرصت‌های مناسب‌تری برای کار و فعالیت پیدا نمایند.

ضروریات یک مترجم حرفه‌ای

اولین لازمه یک مترجم حرفه‌ای، داشتن دانش کامل از زبان‌های مبدأ و مقصد می‌باشد. بنابراین، نمی‌توان فردی را که بطور کامل با دو زبان مبدأ و مقصد آشنا نباشد یا به اندازه گویشوران هر دو زبان به واژگان تسلط نداشته باشد یک مترجم توانا معرفی کرد، هر چند چنین فردی واجد تحصیلات دانشگاهی باشد.

دومین لازمه یک مترجم موفق، آشنایی کامل با فرهنگ مبدأ و مقصد است. زبان پدیده‌ای زنده و پویاست و نمیتواند جدا از فرهنگی باشد که در آن تکلم یا نوشته می‌شود. زبان نه تنها برای نامیدن اسامی اشیا و انواع گوناگون فعالیت‌ها، بلکه ایجاد ارتباط در احساسات، دیدگاه‌ها، عقاید و چیزهای دیگر به کار گرفته می‌شود. از این‌رو، برای آشنایی کامل با یک زبان، فرد باید با فرهنگی که زبان در آن استفاده می‌شود آشنا باشد. به عبارت دیگر، باید با گویشوران آن زبان و رسوم، رفتارها، عقاید و کلیه چیزهایی که فرهنگ را تشکیل می‌دهد آشنا باشد.

سوم اینکه مترجم باید پا به پای رشد و تغییرات در زبان پیش برود و در زمینه ظرایف زبانی و نو واژگان به‌روز باشد. این بدین دلیل است که زبان‌ها دائماً در حال تحول هستند و هر سال معانی واژه‌ها تغییر می‌کند، به طوری که یک عبارت توهین‌آمیز ممکن است تحسین‌آمیز شود و یا یک واژه خنثی می‌تواند سرشار از بار معنایی گردد. به عنوان مثال، حدود سه دهه پیش واژه انگلیسی "Gay" صرفاً به معنی شاد و بشاش بود، ولی در دنیای امروز برای تعریف و شناسایی گروه خاصی از اجتماع به کار می‌رود. همین‌طور، مدت‌ها پیش مردم دنیا در مورد "دلار قدرتمند" صحبت می‌کردند، در حالی که اکنون با مسافرت به خارج می‌توان فهمید که لزوماً دلار پول رایج و مورد ترجیح افراد نیست.

چهارم اینکه باید بین زبان‌هایی که فرد از آنها و یا به آنها ترجمه می‌کند تفاوت وجود داشته باشد. به طور کلی، فرد از یک زبان دیگر به زبان مادری خود ترجمه می‌کند، به این دلیل که به زبان مادری آشناست و این در حالی است که حتی سالها مطالعه و تجربه لزوماً فرد را قادر به آشنایی کامل با یک زبان اکتسابی نمی‌سازد. استثنای این قانون معمولاً افرادی هستند که در بیش از یک فرهنگ زندگی

کرده‌اند و به‌طور معمول به بیش از یک زبان صحبت کرده‌اند. چنین افرادی ممکن است قادر به ترجمه دوسویه باشند. همچنین عده‌ای محدود از افراد مستعد و بانووغ با برخورداری از موهبت تبحر در یک زبان دیگر می‌توانند دوسویه ترجمه کنند که البته تعداد آن‌ها بسیار محدود می‌باشد. با ذکر این موارد باید این حقیقت را پذیرفت که در حالی‌که توانایی یک مترجم ماهر در نوشتن و تکلم زبان مقصد (زبان مادری) ممکن است بدون نقص بنظر برسد، فرد مذکور نمی‌تواند لزوماً قادر به نوشتن یا تکلم عالی در زبان مبدا یعنی زبانی که از آن ترجمه می‌کند باشد. بنابراین ذکر این نکته ضروری است که ممکن است یک شخص کاملاً قادر به نوشتن و خواندن در سطح عالی در زبانی که از آن ترجمه می‌کند نباشد، در حالی که از یک مترجم خوب این انتظار می‌رود که یک نویسنده و گویشور خوب در زبان مادری خود باشد.

پنجم اینکه یک مترجم حرفه‌ای باید قادر به ترجمه در بیش از یک رشته علمی باشد. در بسیاری از موارد، از بیشتر مترجمین حرفه‌ای خواسته می‌شود تا در رشته‌های متعددی ترجمه کنند و بنابراین برای یک مترجم حرفه‌ای غیرمعمول نیست که در طول سال متون بسیاری از رشته‌های علمی را در زمینه‌هایی از قبیل موضوعات سیاسی، اقتصادی، حقوقی، پزشکی، ارتباطات و غیره برگردان نماید. پر واضح است که در چنین شرایطی یافتن مترجمی که اقتصاددان، وکیل، پزشک و مهندس و یا به عبارتی مجموع همه این‌ها باشد بسیار مشکل بلکه محال خواهد بود.

یک مترجم حرفه‌ای باید قادر به کسب دانش کافی و فراگیری گنجینه لغات مرتبط با آن باشد تا بتواند به انجام ترجمه‌های کاملاً دقیق و صحیح در زمینه‌های گوناگون تخصصی و فنی بپردازد.

با این حال، شخص مترجم باید یک حس کنجکاوی ذاتی نسبت به بسیاری از زمینه‌های مختلف دانش بشری و نیز علاقه به افزایش گنجینه واژگان خود در انواع مختلف رشته‌های مرتبط و غیر مرتبط داشته باشد.

ششم، بسته به روش موردنظر یعنی نوشتن، تکلم یا املا، مترجم برجسته باید بداهت و توانایی نوشتن و تکلم را داشته باشد. به سخن دیگر، توانایی بیان شفاهی و نوشتاری را واجد باشد و مانند یک گزارشگر بتواند نظرات را در زمان مناسب و به زبانی قابل فهم انتقال دهد. در واقع، ترجمه گونه‌ای از نوشتن و صحبت کردن است و مترجم به تعبیری یک نویسنده و سخنران به شمار می‌رود.

هفتم، یک مترجم حرفه‌ای باید در خود عادت انجام ترجمه با سرعت خوب را پرورش دهد. برای این کار دو دلیل وجود دارد: اول اینکه بیشتر مشتریان برای محول کردن یک کار ترجمه تا آخرین دقیقه صبر کنند و در نتیجه با معمول‌ترین سوال در این حرفه به مترجم یا مرکز ترجمه روی می‌آورند که "چقدر سریع این کار برای من آماده می‌شود؟" یک مترجم حرفه‌ای باید آماده باشد که یک چنین کار طولانی را در یک بازه زمانی کوتاه بپذیرد، زیرا در غیر این‌صورت از چنین مشتری خاص و یا بسیاری از مشتریان دیگر کاری دریافت نخواهد کرد. دوم اینکه دستمزد ترجمه به صورت کلمه‌ای پرداخت می‌شود و هرچه شخص در یک ساعت کلمات بیشتری ترجمه کند درآمد بیشتری خواهد داشت. از این رو، مترجمین با ظرفیت انجام کار بالاتر و سریع‌تر در این میان موفق‌تر خواهند بود.

هشتم، یک مترجم باید مهارت‌های پژوهشی را در خود رشد دهد و قادر به دسترسی به آن دسته از منابع مرجع باشد که برای انجام ترجمه با کیفیت بالا ضروری هستند. بدون چنین منابعی امید نمی‌رود که حتی بهترین مترجمین بتوانند به شمار زیادی از موضوعات رشته‌های مرتبط بپردازند. مترجمین متعهد آن‌هایی هستند که همیشه در جستجوی منابع مرجع جدید هستند و در طول زمان یک بانک اطلاعاتی مورد استفاده در کار خود ایجاد می‌کنند.

نهم، در دنیای کنونی مترجم نمی‌تواند با سخت‌افزار، نرم‌افزار، فاکس، مودم، شبکه بین‌المللی اطلاعات یا اینترنت و آخرین پیشرفت‌های رسانه‌ای در این زمینه بیگانه باشد، زیرا امروزه ترجمه کاملاً به ابزارهای الکترونیکی وابسته شده است و دوره دست‌نویسی، ماشین‌تحریر و دیگر وسایل ارتباطی "ماقبل تاریخ" گذشته است. به عبارت دیگر، هرچقدر شخص بیشتر درگیر ترجمه شود، بیشتر درگیر آخرین پیشرفت‌های فناوری می‌گردد.

دهم، مترجمی که آرزو دارد بر یک اساس نسبتاً با ثبات و منظم به کار ترجمه بپردازد باید با دقت این حقیقت را در نظر بگیرد که در حالی که برخی از زبان‌های خاص دنیا دارای بالاترین تقاضا هستند برخی دیگر از زبان‌ها چنین شرایطی را ندارند. برای مثال، در شهرهایی چون واشنگتن و لس‌آنجلس تقاضای بالایی برای زبان‌های ژاپنی، آلمانی، اسپانیایی، چینی، فرانسوی، عربی، روسی و ایتالیایی وجود دارد اما تقریباً تقاضا برای زبان‌های فارسی، بلغاری، چک و آفریقایی زیاد نیست. از آنجایی که زبان فارسی به عنوان زبان مادری و مسلط اکثر مترجمین کشور ما در میان گروه دوم جای می‌گیرد توصیه می‌شود که مترجمین و ترجمه‌آموزان حتی‌الامکان تبحر زبانی در یکی از زبان‌های گروه اول کسب نمایند. همین‌طور، این نکته را بطور جدی در نظر بگیرند که آیا زبان خاص آنها تقاضای کافی جهت سرمایه‌گذاری عظیم و صرف زمان و تلاش را دارد. به عبارت دیگر، شخص مترجم باید همواره شرایط را سنجیده و مشاهده نماید که زبان خاص او چه توانایی بالقوه‌ای در یک ناحیه جغرافیایی مورد نظر دارد.

در واقع، ده نکته اشاره شده تحت عنوان ضروریات حرفه‌ای مترجم مهم‌ترین معیارهای پیشبرد حرفه ترجمه به شمار می‌روند. البته واضح است که ملاحظات و نظریات دیگری هم ممکن است وجود داشته باشند که به اندازه موارد فوق مهم نیستند. نکته‌ای که نباید فراموش کرد این است که چنانچه مترجم یا ترجمه‌آموز از عهده ده معیار اشاره شده برآید باید همواره در جهت رعایت دقیق و کامل آنها بکوشد و از آن موارد در ترجمه عملی متون مختلف و نیز مقاصد حرفه‌ای شخصی خود به نحو احسن استفاده نماید.

عادات خوب و بد ترجمه

مترجم برجسته ممکن است در خود برخی عادات بد یا خوب را پرورش دهد. برخی از عادات بد ترجمه به شرح ذیل می‌باشند:

یکی از عادات بد ترجمه بدور بودن مترجم از زبان مبدا برای یک دوره زمانی معین است، زیرا با توجه به پویایی رشته‌های علمی و نیز مقوله‌های زبانی در صورت دور شدن از زبان مبدا دانش پیشین شخص در این زمینه‌ها دیگر قابل اعتماد و کافی نمی‌باشد.

یک عادت بد دیگر استفاده از راه‌های میانبر و غیرمجاز هنگام ترجمه است. چندین نوع میانبر در ترجمه وجود دارد که معمول‌ترین نوع آنها، قصور در جستجو و پیدا نمودن معنای واژه ای است که شخص به طور قطعی نسبت به چگونگی برگردان آن مطمئن نیست. بدین ترتیب، چنانچه شخص - حتی بعد از بررسی همه معانی موجود- نسبت به معنای یک واژه مطمئن نگردد لازم است در قسمت یادداشت یک مترجم مفهوم آنرا بگنجانند و یا اینکه از طرق دیگر ذکر کند که مشکلی در ترجمه آن لغت خاص وجود داشته است، زیرا در غیر این صورت، مطلب نهایی ممکن است گمراه‌کننده و غلط‌برانگیز باشد.

یک نوع میانبر غیر مجاز دیگر در ترجمه، خلاصه کردن یک پاراگراف به جای ترجمه کامل آن است. چنین چیزی به عنوان خلاصه ترجمه یک پاراگراف با یک سند محسوب می‌شود. باید دانست اگر درخواست برای خلاصه مطلب باشد این دقیقاً چیزی است که مترجم می‌باید فراهم کند. در حالی که در این حرفه،

ترجمه درخواستی اغلب به صورت کلمه به کلمه یعنی برگردان کامل و تام متن مبدا مورد نظر می‌باشد. زمانی که ترجمه کلمه به کلمه سفارش شود هر نوع نقصان در تحویل کامل ترجمه نوعی میانبر غیر مجاز به شمار می‌رود. متأسفانه، گاهی اوقات برخی از مترجمین این نکته را مورد بی‌توجهی قرار می‌دهند، مخصوصاً زمانی که کار بیشتری نسبت به آنچه در زمان ضرب‌الاجل تعهد داده‌اند می‌پذیرند و در نتیجه تصمیم به خلاصه سازی متن تا پیش از سررسید زمان ضرب‌الاجل می‌گیرند.

در نهایت، بدترین عادت برای مترجم آن است که گمان نماید که در برهه‌ای چنان نسبت به زبان‌های مبدا و مقصد اشراف و احاطه دارد که کار وی نیاز به هیچ‌گونه بازبینی و اصلاح ندارد. به عبارت دیگر، بازماندن از بهبود و پیشبرد بیشتر مهارت‌های زبانی و احساس غرور کاذب و بی‌نیازی نسبت به تکمیل دانسته‌های خود میتواند زمینه را برای واماندگی حرفه‌ای مترجم رقم بزند.

آنچه تا به حال اشاره شد در زمینه عادات بد ترجمه بود. از طرف دیگر، نباید در این میان عادات خوب ترجمه مورد غفلت واقع شوند. مهم‌ترین عادت ترجمه خوب، در وهله اول، اجتناب از عادات بد ترجمه است (یعنی همانطوری که به قول لقمان حکیم باید "ادب را از بی‌ادبان آموخت")، اما روش‌های دیگری نیز برای پرورش عادات خوب ترجمه وجود دارد.

یک راه عالی مطالعه پیشینه حرفه‌ای در همان زمینه علمی است که مترجم در آن به انجام ترجمه می‌پردازد. برای مثال، مطالعه مجلات تخصصی علمی می‌تواند به اشخاص در یادگیری سبک‌های به کار رفته در متون علمی کمک کرده و در ترجمه کارآمد موضوعات علمی و فنی مؤثر باشد. همین‌طور، اشخاصی که به ترجمه اسناد تجاری روی می‌آورند باید مجلات مربوط به تجارت و بازرگانی از قبیل وال استریت ژورنال را مطالعه نمایند. البته باید دانست که برای ترجمه مقالات علمی لازم نیست که شخص مترجم دانشمند باشد، همان‌گونه که برای ترجمه متون تجاری داشتن مدرک دانشگاهی در اقتصاد و بازرگانی ضروری نمی‌باشد، اما پر واضح است که داشتن دانش و درک عمومی در چنین موضوعاتی، زمینه را به نحو بارزی برای ترجمه دقیق متون مربوطه فراهم می‌سازد.

یک روش دیگر، انجام ترجمه نه بخاطر منافع مادی، بلکه به خاطر کسب تجربه و لذت شخصی می‌باشد. مترجم خیره و کارآموزده، گاهی اوقات صرفاً برای بهبود مهارت‌ها و پیشبرد تخصص خود به ترجمه می‌پردازد و به دلیل احساس تعهد و مسئولیت فردی نسبت به یک زمینه خاص و مورد علاقه چشم‌داشت چندانی به درآمد مادی آن ندارد. به عنوان مثال، ممکن است شخص مترجم به دلایل مختلفی چون چالش‌برانگیز بودن یا مشکل‌ساز بودن و در یک کلام به دلیل کسب رضایت و لذت شخصی به ترجمه شعر و نظم روی آورد.

یک عادت خوب دیگر، استفاده مستمر از فرهنگ لغت‌ها می‌باشد. هر چند ممکن است بعضی مواقع پیدا کردن فرهنگ لغت‌های خوب به سادگی میسر نباشد، مترجم می‌تواند با شناسایی فرهنگ‌های مناسب و مخاطبین مورد نظر، آن‌ها را از کتابفروشی‌ها و ناشرین مربوط فراهم نماید.

در نهایت، یکی از عادات خوب ترجمه گردآوری لیست لغات و ایجاد یک کتابخانه مرجع می‌باشد. این امر بدین دلیل است که در اکثر موارد، تمامی لغات و اصطلاحات مورد نیاز مترجم در فرهنگ لغات آورده نشده‌اند و این فرهنگ‌ها تمامی اطلاعات مربوط به منابع تخصصی را ندارند.

نباید فراموش کرد که در هر زمینه علمی پیشینه و کتاب‌شناسی حرفه‌ای و نیز تسهیلاتی برای مترجمین توسط سازمان‌های مربوطه در آن زمینه وجود دارد. علاوه بر آن، در سال‌های اخیر، آگاهی روبه فزونی نسبت به اصطلاح‌شناسی حرفه‌ای وجود داشته است و با پیشرفت پیوسته و روزافزون

فناوری رایانه‌ای، پایگاه‌های اطلاعاتی در حال رشد و گسترش بوده‌اند که در نهایت امر ترجمه را پیش از پیش تسهیل نموده‌اند. در مجموع، می‌توان گفت که منابع مرجع خوب در ترجمه متون تخصصی نقش تلایبی ایفا می‌نمایند و مترجم مجرب و کارآزموده می‌تواند با گذر زمان کتابخانه‌ای گسترده از منابع و مراجع را تدارک ببیند که در پاسخگویی به نیازهای انواع ترجمه بسیار ضروری و حیاتی خواهد بود.

سخن آخر

بسیاری از ترجمه‌آموزان ممکن است با این سؤال مهم مواجه شده شوند که چگونه یک فرد می‌تواند یک مترجم خیره، کارآزموده و جامع‌الاطراف گردد؟ پاسخ به این سؤال می‌تواند در کلمه **تجربه** جمع شود. در حقیقت کلید ترجمه موفق، تمرین و ممارست پیوسته و مستمر است. از طرف دیگر، از آنجایی که دانش انسان روز به روز رشد می‌کند و زبان نیز همگام با این تغییرات در حال رشد و پویایی است مترجم خیره باید به طور پیوسته همگام با دانش و زبان پیش برود. در این میان، بدترین چیزی که می‌تواند برای یک مترجم اتفاق بیفتد این است که برای مدتی طولانی- مثلاً یک یا دو سال- به زبان مبدا دسترسی نداشته باشد، زیرا در چنین شرایطی، مترجمی که در طول خواب زمستانی از قافله پیشرفت عقب مانده ممکن است به خود بیاید و متوجه شود که کلمات بدیع، مفاهیم نو و شیوه‌های جدید استفاده از آن کلمات و کاربرد آن مفاهیم به وجود آمده‌اند و دانش پیشین شخص در این زمینه‌ها دیگر قابل اعتماد و کافی نمی‌باشد. بنا بر آنچه اشاره شد می‌توان به این نتیجه گیری رسید که ترجمه تعهدی است که شخص مترجم نه برای یک دوره زمانی محدود بلکه برای دوره‌ای طولانی بر عهده می‌گیرد. همین‌طور، باید فرض شود که ترجمه‌آموز کنجکاو و علاقه‌مند فعلی و مترجم خیره و کارآزموده آتی شخصی است که همواره عاشق کلمات، عبارات و اصطلاحات مناسب زمانی است. به عبارت دقیق‌تر، وی عاشق به چالش طلبیدن عبارات و اصطلاحات در بافت و مضمون مربوط و مناسب و به‌کارگیری و استفاده مؤثر، کارآمد و دقیق آن‌ها در ترجمه خویش می‌باشد. در این‌صورت، چنین فردی مترجم موفقی و گذرا نخواهد بود بلکه ترجمه را به صورت روندی جاودان و حرفه‌ای مادام‌العمر ادامه خواهد داد.

تهیه شده در گروه آموزشی زبان رمزی، برای زبان آموزان

www.zabaneramzi.ir

www.ZabanAmoozan.com